

A survey on the role of educational styles of traditional and modern families on the school performance of children

Sayed Morteza Alavi Alaa

Instructor, Islamic Azad University, Roudheh branch, Pardis, Tehran, Iran

Abstract

The quality and content of all educational systems are highly the results of exact planning and proper application of educational styles and tools with a significant role in the promotion of educational purposes. It will be effective on student's performance in the case of applying by families and instructors. The main research purpose was a survey on the role of educational styles of families on student's performance. The statistical population of this study consisted of all male and female students of the 8th zone of the educational department of high school in Tehran in the academic year of 2012-13. 192 girls and 236 boys were selected by random sampling method. The performance criterion was based on their average scores from last year or last term. The research method was Pierson correlation. A researcher-made questionnaire was used to collect data with 40 questions. Cronbach's alpha coefficient was used on 50 subjects who were selected randomly. The validity coefficient was 0.871. The results showed that educational styles could predict educational achievement. There was a significant relationship between educational styles and performance ($p < 0.05$). Therefore, those families that used modern educational styles were more successful than those with traditional ones. There was a significant difference between the averages of girls and boys. The boys were taught more with modern educational styles than the girls.

Keywords: Traditional families, Modern families, Traditional education, Modern education, School performance

بررسی نقش سبک‌های تربیتی خانواده‌های سنتی و مدرن بر عملکرد تحصیلی فرزندان

سیدمرتضی علوی اعلاء*

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، شهرستان پردیس، تهران، ایران

چکیده

کیفیت و محتوای همه نظام‌های آموزشی تا حد زیادی متأثر از برنامه ریزی دقیق و کاربرد ابزار و سبک‌های تربیتی متناسب است که بتواند در پیشبرد اهداف آموزشی جامعه نقش آفرینی کند. پژوهش حاضر، بررسی و مقایسه نقش سبک‌های تربیتی خانواده‌های سنتی و مدرن بر عملکرد تحصیلی فرزندان است که بیان کننده سبک علمی - کاربردی خانواده‌های سنتی و مدرن در تربیت و عملکرد تحصیلی و ارائه راهکار به آنهاست که مریبان اصلی فرزندان هستند. روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی پیرسون است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر دوره دبیرستان منطقه ۸ آموزش و پرورش شهر تهران که در سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ مشغول به تحصیل بودند، شامل می‌شود که از بین آنها ۴۲۸ نفر (۱۹۲ دختر و ۲۳۶ پسر) به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ملاک عملکرد، بر اساس معدل کتبی سال قبل یا ترم گذشته‌شان بود. برای جمع‌آوری اطلاعات از یک پرسشنامه محقق ساخته با تعداد ۴۲ پرسش استفاده شد. به منظور برآورد همسانی درونی، از روش آلفای کرانباخ ابتدا بر روی یک نمونه ۵۰ نفری که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، اجرا گردید و ضریب اعتبار محاسبه شده ۰/۸۷۱ به دست آمد. نتایج نشان دادند که ۱ - سبک‌های تربیتی می‌توانند پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی کنند. ۲ - بین متغیرهای سبک‌های تربیتی و عملکرد تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد. ($p < 0/05$) ۳ - بین میانگین نمره‌های دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد؛ یعنی پسران بیشتر از دختران به سبک تربیتی مدرن پرورش می‌یابند. ۴ - درسبک تربیت ترکیبی (سنتی و مدرن) تفاوت معناداری بین دختران و پسران وجود نداشته است.

واژگان کلیدی: تربیت سنتی، تربیت مدرن، خانواده‌های سنتی، خانواده‌های مدرن، عملکرد تحصیلی

مقدمه

جدید و آینده نگری همراه با احساس مسؤولیت، راه‌های دستیابی یادگیری علوم و فنون را از فرزندان خود دریغ ننموده و راه شرکت در محیط‌های آموزشی بدون محدودیت و با حفظ ارزش‌های اخلاقی را نشان می‌دهند و با آنان تعامل و هم‌فکری می‌نمایند. منظور از پیشرفت تحصیلی عملکرد دانش‌آموز در فرایند یادگیری مطالب درسی است، با ملاک معدل ترم گذشته و معدل نمره پرسشنامه که اندازه‌گیری شده است. امروزه فناوری‌های علمی روزافزون گشته است و پیوسته محصور محصولات خود می‌گردد. مایر (Mayer, 2005) معتقد است که برای حل مشکلات موجود جهانی سه راه حل وجود دارد: جنگ، انقلاب و تربیت. به اعتقاد وی جنگ کابوس تصور ناپذیر است و انقلاب روش بیم‌ناکانه، ولی تربیت به آرامی انسان را رو به تکامل می‌برد و او را متوجه امکانات خلاقانه خود می‌کند. تربیت است که به انسان جهت می‌دهد، او را هدفمند می‌سازد و تنها داروی درد بشریت است. شریعتمداری (Shariatmadari, 2005) معتقد است: «اگرچه ویژگی‌های تعلیم و تربیت سنتی، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و خلاقیت افراد است، در تربیت مدرن و علمی بیشتر سعی بر شکوفا ساختن استعدادها است». اگر از تعاریف متعددی که برای تربیت وجود دارد بگذریم، به طور کلی می‌توان تربیت را جریانی دانست که به طور مستمر در جهت رشد همه جانبه فرد اعم از (جسمانی، شناختی، روانی، عاطفی، اجتماعی، دینی) و شکوفا ساختن استعدادهای اوست. نتایج حاصل از کار پژوهشی ازلی (Azali, 2012) که در رابطه اثرسبک‌های یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر اصفهان بود، نشان داد که سبک یادگیری شهودی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته ادبیات و سبک یادگیری کلی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته تجربی رابطه معنادار دارد. سایر سبک‌های یادگیری (حسی، دیداری، کلامی، فعال، تأملی) رابطه معناداری با پیشرفت تحصیلی نشان نداد. عابدی (Abedi, 2005) نتایج پژوهش خود را که پیرامون نقش ویژگی‌های خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بود، چنین بیان می‌کند که از بین عوامل خانوادگی مرتبط با انگیزش پیشرفت تحصیلی انتظار والدین از موفقیت فرزندان ۲۸٪، شیوه فرزند پروری

در شیوه‌های آموزش قدیم و جدید، قصد همه آموزش دهندگان و مربیان اعم از خانواده‌ها تا معلم مدرسه و استاد دانشگاه بالا بردن کیفیت کاربردی هریک از عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی فراگیران دانش بوده است. اما این سؤال مطرح است که، کدام یک از عوامل در روند عملکرد فرزندان مؤثرترند؟ پیشرفت هر جامعه در گرو توان آموزشی آن جامعه است و کارایی هر نظام آموزشی را با عواملی که در آن نقش آفرینی می‌کنند و رهبری و مدیریت فراگیران دانش را بر عهده دارند می‌سنجند. عواملی همچون خانواده‌ها، مدیران، معلمان و استادان، برنامه ریزان آموزشی و درسی، همکلاسان، محیط آموزشی، ابزار و وسایل کمک آموزشی، وضع اقتصادی، فرهنگی، شغل والدین، سطح تحصیلات والدین، کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌های محیط آموزشی، کلاس‌های علمی و کاربردی، فوق برنامه‌های درسی، داشتن معلم خصوصی و غیره، هر یک به نوعی در عملکرد تحصیلی فرزندان اثرگذارند. همچنین عواملی هم وجود دارند که سبب افت تحصیلی فرزندان می‌شوند. مانند اعتیاد والدین، متارکه والدین، نداشتن والدین، عدم توانایی در پرداخت هزینه تحصیلات، نداشتن شغل و سلامتی جسمی و... که همه آن عوامل کنترل شده است. اما نخستین محیطی که فرزندان را تحت تأثیر رهبری و راهبردی، تفکرات و نوع تربیتی، از نظر فرهنگی، آموزشی، روابط اجتماعی و اخلاقی خود قرار می‌دهد، خانواده است. در ایران خانواده‌ها فرزندان‌شان را با سبک‌های سنتی یا مدرن و ترکیبی از آن دو، تربیت می‌کنند. اهمیت و ضرورت مسأله در این است که در عصر علوم فنی و فناوری که دنیا را به چالش کشیده است، خانواده‌ها کدام سبک تربیت را در پیش گیرند تا فراگیران دانش بتوانند نیازهای ضروری جامعه خود را با علوم معاصر دست یابند و دست نیاز به سوی کشورهای دیگر دراز نکنند. هدف این است که مربیان، نقشه درست پیشروی راه را به فرزندان در تربیت ارائه نمایند تا با نوآوری‌های علمی و کاربردی بر مشکلات فائق آیند. خانواده سنتی به خانواده‌ای گویند که افکار و کردار و رفتارشان برگرفته از پیشینیان و گذشتگان آنها است و خانواده‌های مدرن خانواده‌ای هستند که بانگ‌گش

است، اگر قرار باشد فراگیران دانش برای مشاغل آینده به خوبی پرورش یابند، باید فناوری بخش عمده‌ای از مدرسه و کلاس درس باشد». شکی وجود ندارد که تعلیم و تربیت مدرن بود که جوامع سنتی را از هم پاشید و راهکارهای نوینی را به ارمغان آورد. نه این که اهداف در تعلیم و تربیت سنتی نادیده گرفته شد، بلکه اهداف با دست آوردهای جدید علمی معاصر پیگیری شد، یعنی بازسازی کردن بنای فرسوده قدیمی که دور از طرح و برنامه و نقشه و مصالح سودمند و ساختار عقلی بدون علم بود. عبادی (Ebadi, 2006). قرن حاضر تغییر از جامعه صنعتی به جامعه فراصنعتی یا جامعه اطلاعاتی است. اطلاعات و دانش، اساسی‌ترین دانایی انسان‌های جوامع و ملت‌ها به شمار می‌آید. گری (Grey, 2001) در کتاب اینترنت در مدرسه می‌گوید: اگر فرهنگ یادگیری - یاددهی در نظام آموزشی تحول نپذیرد نه تنها فناوری اطلاعات و ارتباطات ایجاد تحول نخواهد کرد، بلکه به تقویت سنت‌های محافظه کارانه آموزش خواهد انجامید. زیرا این فناوری اطلاعات نیست که به تنهایی ایجاد تغییر می‌کند، بلکه انسان‌ها عامل اصلی تحول‌اند و نیروی انسانی مهم‌ترین گسترش دهنده فناوری اطلاعات است. افشاری کهن (Afsharikohan, 2004) در کتاب سنت گرایی و تجدد طلبی در ایران بیان می‌کند که تجدد مسأله‌ای است که از حدود یکصد و پنجاه سال پیش تا کنون همچنان مسأله ایرانیان است. ضرورت نگرستن به آن از منظر علوم تربیتی و جامعه‌شناسی یعنی لحاظ کردن آن به عنوان یک معضل اجتماعی از همین جا بر می‌خیزد. گستردگی اظهار نظرها، مقالات و کتب پیرامون این مسأله علاوه بر آن ناشی از وجوه گوناگون موضوع مدرن و نوگرایی و سنت است. لذا اگر بپذیریم که شکاف نوگرایی و سنت یک شکاف تاریخی و فعال در جامعه ایران است، ضرورت دارد تا این مقولات مورد بررسی قرار گیرند. رویکرد آموزش و تربیت سنتی به دنبال ساختن یک محیط مجرد و نگاه آن به آموزش فردی است، در حالی که آموزش و تربیت مدرن سعی در ساختن یک محیط گسترده و تربیت اجتماعی فراگیران دانش است. فتسکوومک کلر (macceler&2005) معتقد است: «فراگیران دانش نیاز دارند با فعالیت‌هایی درگیر شوند که دانسته‌های خود را بیافرینند یا

مقتدرانه ۲۶٪ و ساخت خانواده‌های (مدرن طبیعی در خانواده) تبیین کننده انگیزش پیشرفت تحصیلی هستند. رضوانی خواه (Rezvanikhah, 2009) نتایج به دست آمده از کار پژوهشی خود را که درباره عملکردهای تربیتی والدین در نوجوانان بود، حاکی از آن می‌داند که دختران در مقایسه با پسران از محبت و عملکرد بیشتر والدین برخوردارند. شماعی زاده (Shamaeizadeh, 2008) در نتایج کار پژوهش خود نشان داد که حاصل آموزش منظم به والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر مثبت دارد. رشوانلو (Reshvanlo, 2008) یافته‌های پژوهش خود را چنین بیان می‌کند که تأثیر مستقیم حمایت از گرمی والدین و انگیزش خودمختار بر عملکرد تحصیلی معنادار بود و درگیری والدین با فرزندان تأثیر مستقیم و معناداری بر پیشرفت تحصیلی نداشت که از میان این متغیرها، انگیزش خودمختار تحصیلی بیشترین اثر مستقیم را بر عملکرد تحصیلی داشت. امین زاده (Aminzadeh, 2008) نتیجه پژوهش خود را حاکی از آن می‌داند که مقدار تکلیف انجام شده در خارج از مدرسه با پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار را نشان داده است، نتیجه بیان کننده آن است که نظارت و تشویق همراه با آگاهی والدین دخالت داشته است. فعالیت‌های فوق برنامه خارج از مدرسه از طریق رابطه انحنایی تغییرات پیشرفت تحصیلی را تبیین کرده‌اند، یعنی موجب ارتقای سطح عملکرد شده است. نتایج به دست آمده از پژوهش آزادارمکی (Azadarmaki, 2007) نشان داده است که؛ ۱ - در ایران سالخورده‌گان، کم سوادان و فقیران بیشتر از جوانان دانشگاهیان و ثروتمندان به آموزه‌های سنتی خانواده پایبندند و تجانس بیشتری در این باره دارند. ۲ - در چالش بین سنت و مدرنیته در ایران ماندگاری عناصر سنتی در عرصه دین بیشتر از عرصه خانواده است. ۳ - در سطح کلان بین تجانس فرهنگی در حوزه عناصر سنتی و سطح توسعه انسانی کشورها رابطه معکوس وجود دارد. یعنی در فرآیند مدرنیته تجانس فرهنگی جای خود را به تشتت آراء در حوزه عناصر سنتی فرهنگ می‌دهد. ایرل (Earl, 2002) معتقد است «مروزه فراگیران دانش در محیط و جامعه‌ای پرورش می‌یابند که ابعاد فناوری با جامعه‌ای که والدین و اجداد آنها در آن پرورش یافته‌اند بسیار متفاوت

پیکرومیراسی دیگلو (Peker&Mirasidioglo, 2008) و آرسلان و ارتکین (Arselon&Artiken, 2009) گری و روز (Grey&Ross, 2006) در نتایج پژوهشی خود علاوه بر رضایت شغلی، مستقیماً رهبری - تحولی را که در پیشرفت تحصیلی اثر معناداری دارد، بیان می‌نمایند.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت و اهداف پژوهش از روش همبستگی پیرسون استفاده شد. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر از جمله بررسی‌های همبستگی چند متغیره است که طی آن رابطه سبک‌های تربیتی خانواده‌ها با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مطالعه شده است. در این مطالعه به منظور برآورد ضریب همسانی درونی عبارت‌های پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ بررسی و نتیجه نشان داد که ضریب اعتبار کل پرسشنامه سنجش سبک‌های تربیتی برابر ۰/۸۷۱ است.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان‌های آموزش و پرورش منطقه هشت شهر تهران که در سال ۹۲ - ۹۱ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل دادند که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند. حجم نمونه ۴۲۸ نفر دانش‌آموزان (۱۹۲ دختر و ۲۳۶ پسر) بودند که پاسخنامه را به طور صحیح پاسخ دادند. برای جمع‌آوری اطلاعات از یک پرسشنامه محقق ساخته به صورت میدانی روی نمونه منتخب اجرا شد. این پرسشنامه حاوی ۴۲ سؤال چهارگزینه‌ای لیکرت (همیشه، غالباً، گاهی و هیچ وقت) بود که برای اندازه‌گیری پاسخ استفاده گردید. برای به دست آوردن اعتبار پرسشنامه از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ابتدا پرسشنامه در یک نمونه ۵۰ نفری از گروه نمونه که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند اجرا گردید و ضریب اعتبار محاسبه شده از ۱۵ پرسش تربیت سنتی ۰/۸۱۹ و از ۱۵ پرسش تربیت مدرن ۰/۷۹۸ و از ۱۲ پرسش تربیت ترکیبی سنتی و مدرن ۰/۷۱۳ و از کل پرسش‌ها ۰/۸۷۱ به دست آمد که نشانگر ضریب اعتبار و قابل قبولی برای پرسشنامه است. ملاک تعیین عملکرد تحصیلی عبارت است از معدل کل ترم گذشته دانش‌آموزان در زمان اجرای پژوهش بود. در این پژوهش، متناسب با متغیرهای مورد مطالعه و نوع داده‌های جمع‌آوری شده، به

سازماندهی کنند، آموزشیاران باید فرصت‌هایی برای آموزندگان فراهم نمایند که با همدیگر و با بزرگسالان و دیگر همسالان خود برای ساختن دانسته‌ها تعامل کنند. شکر و فیشر (Sheker&Fisher, 2004) نیز در پژوهش خود بر افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارای موفقیت تحصیلی پایین و متوسط در هم‌آموزی و تعاملی دست یافته‌اند. در نظام آموزشی سنتی محتوای درس کمکی فراگیران دانش را مجبور به پذیرفتن یک فضای انتخابی محدود می‌کند، در حالی که این عامل در نظام آموزشی مدرن، تحقیقاتی و پژوهشی، کیفی، نامحدود و متنوع است. یافته‌های پژوهش جعفری کوخالو (Jafaricokhalo, 2008) حاکی از آن است که در هم‌آموزی یعنی فراگیری تعلیم و تربیت به صورت نوین در هم‌آموزان نسبت به دانش‌آموزان در روش سنتی پشتیبانی می‌کنند ولی از نظر دستاوردهای عاطفی تفاوتی میان دو گروه دیده نشد. یافته‌ها همچنین گویای برتری گروه هم‌آموزی در کارکردهای شناختی بالا در مقایسه با گروه دیگر با روش سنتی هستند. رستمی نژاد (Rostaminajad, 2005) و آصفی املشی (Asafi amlashi, 2004) نیز در مقایسه روش‌های هم‌آموزی با سایر روش‌های آموزشی بر افزایش پیشرفت تحصیلی در روش نوین تأکید کردند و معتقدند که پژوهش‌های چندانی درباره سودمندی روش مدرن در کارکردهای متفاوت عملکرد، انجام نشده است. لوکاس و مورفی (Lucas & Morfi, 2007) نتایج کار پژوهشی خود را چنین نشان دادند که دانش‌آموزان با میانگین سنی ۱۴ - ۱۰ سال در زمینه انسجام و وحدت بین دانش‌آموزان نسبت به تعارض و رقابت بین دانش‌آموزان بالاترین پیش‌بینی کننده سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی آنان است. تحقیقات بسیاری نشان داده است که سبک‌های یادگیری و یاددهی در تعلیم و تربیت می‌توانند وضعیت تحصیلی را پیش‌بینی کنند و این امر مستلزم آن است که سبک‌های تعلیم و تربیت و یادگیری آنها را شناسایی کرده، بدانیم که برای هر سبک به چه نوع محتوا و روشی نیاز داریم. آرتورس، هاو و شاه (Artthors, Howk & Shah, 2007) پیترسون (Peterson, 2009) همچنین در این زمینه مطالعات زیادی نیز در ارتباط بین سبک‌های یادگیری و یاددهی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در درس‌ها اشاره کرده‌اند.

سنتی و ترکیبی و متغیر ملاک (وابسته) پیشرفت تحصیلی از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. بر اساس مدل رگرسیون، به منظور شناسایی و تعیین سهم هر کدام از متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی متغیر ملاک، همراه با کنترل سهم سایر متغیرها، ترکیب خطی متغیرهای پیش‌بین برای پیش‌بینی متغیر وابسته به کار می‌رود. شرح تفصیلی محاسبات آماری در زیر ارائه شده است.

فرضیه اول: براساس سبک‌های تربیتی والدین (۳ سبک مدرن، سنتی و ترکیبی) می‌توان پیشرفت تحصیلی فرزندان را پیش‌بینی کرد.

همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، مقدار F به دست آمده ($۰/۰۳۷$) بدین معنی است که $۳/۷$ درصد از واریانس متغیر پیشرفت تحصیلی توسط ۳ سبک مدرن، سنتی و ترکیبی تبیین می‌شود. به عبارت دیگر، $۳/۷$ درصد از پراکندگی مشاهده شده در متغیر پیشرفت تحصیلی توسط این متغیرها توجیه می‌شود. مقدار R مشاهده شده ($۰/۱۹۳$) نیز نشان دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر می‌تواند برای پیش‌بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده ($۵/۲۶۶$) در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد معنادار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر پیشرفت تحصیلی همبستگی معنادار وجود دارد. با مراجعه به آماره t و سطوح معناداری می‌توان قضاوت کرد که هر سه این متغیرها با متغیر پیشرفت تحصیلی همبستگی معنادار دارند. در نتیجه، شواهد برای پذیرش فرضیه اول کافی است.

علامت ضرایب بتای به دست آمده نشان داد که متغیر سبک تربیتی مدرن با پیشرفت تحصیلی همبستگی مثبت و معنادار دارد. به عبارت دیگر، با افزایش نمره در سبک تربیتی مدرن پیشرفت تحصیلی فرزندان نیز افزایش می‌یابد. حال آن‌که همبستگی سبک‌های سنتی و ترکیبی با پیشرفت تحصیلی منفی و معنادار بود.

در نهایت، با توجه به این توضیحات و ضریب به دست آمده می‌توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد نشده به صورت زیر تدوین کرد:

منظور توصیف آنان از شاخص‌های گرایش مرکزی، پراکندگی و توزیع نمره‌ها استفاده شد. در مرحله تحلیل آماری، باتوجه به مقیاس اندازه‌گیری که از نوع فاصله‌ای است و فرضیه‌های پژوهش برای تحلیل داده‌ها حسب مورد، از روش ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه و T گروه‌های مستقل استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۱، در خصوص توزیع نمره‌های آزمودنی‌های مورد مطالعه در سبک‌های تربیتی و عملکرد تحصیلی (معدل) شاخص‌های مختلف توصیفی اعم از میانگین، انحراف معیار، شاخص‌های کجی، کشیدگی، مقادیر حداقل و حداکثر آنها نشان می‌دهد که توزیع نمره‌های گروه نمونه به توزیع نرمال میل دارند. گذشته از این، نتیجه مقیاس‌های اندازه‌گیری متغیرهای پیش‌بینی و ملاک از نوع فاصله‌ای و در نتیجه داده‌های جمع‌آوری شده از نوع کمی هستند و در عین حال بر پایه قضیه حد مرکزی می‌توان به منظور آزمون فرضیه تحقیق از آزمون‌های پارامتری استفاده کرد.

در جدول شماره ۲ توزیع نمره‌های شرکت کنندگان به تفکیک جنسیت در متغیرهای پیشرفت تحصیلی و سه سبک تربیتی بر اساس شاخص‌های مختلف توصیفی اعم از میانگین، انحراف معیار، کجی، کشیدگی و حداقل و حداکثر نشان داده شده است. این شاخص‌ها، به ویژه شاخص‌های کجی و کشیدگی (بجز سبک سنتی در دختران)، حاکی از این است که توزیع نمره‌ها به توزیع نرمال میل دارند.

برای آزمون فرضیه اول تحقیق مبنی بر رابطه بین سه سبک تربیتی مدرن، سنتی و ترکیبی با پیشرفت تحصیلی ابتدا با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون همبستگی متغیرهای پیش‌بین و ملاک ارزیابی شد (جدول شماره ۳).

با توجه به ضرایب به دست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که بین سه سبک تربیتی مدرن، سنتی و ترکیبی با پیشرفت تحصیلی به صورت دو به دو همبستگی معنادار وجود ندارد.

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، با توجه به تعداد و نوع متغیرهای پیش‌بین، یعنی سه سبک تربیتی مدرن،

جدول ۱ - خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمره‌های آزمودنی‌ها در سبک‌های تربیتی و عملکرد تحصیلی (N=۴۲۸)

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
سبک مدرن	۳۹/۲۴	۷/۴۰	۰/۱۱۸	۰/۲۳۵	۱۵	۶۰
سبک سنتی	۳۰/۲۵	۸/۲۰	۱/۱۵۹	۱/۵۷۵	۱۵	۶۰
سبک ترکیبی	۳۰/۸۶	۵/۸۱	۰/۴۶۵	۰/۶۲۸	۱۲	۴۸
عملکرد تحصیلی	۱۷/۴۵	۱/۸۱	-۰/۹۹۳	۱/۲۸۸	۸/۳۲	۲۰

جدول ۲ - خلاصه شاخص‌های توصیفی نمره‌های شرکت‌کنندگان در پیشرفت تحصیلی و سه سبک تربیتی به تفکیک جنسیت

گروه	متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
دختران (n=۱۹۲)	پیشرفت تحصیلی	۱۷/۲۳	۱/۷۶	-۰/۶۲۷	-۰/۳۵۲	۱۲	۲۰
	سبک مدرن	۳۷/۳۳	۷/۱۱	-۰/۱۵۲	-۰/۰۵۸	۲۰	۶۰
	سبک سنتی	۲۷/۰۴	۶/۰۵	۱/۶۴۸	۵/۲۱۷	۱۷	۶۰
	سبک ترکیبی	۲۹/۷۷	۵/۲۹	۰/۵۳۴	۰/۷۷۵	۱۵	۴۸
پسران (n=۲۳۶)	پیشرفت تحصیلی	۱۷/۶۳	۱/۸۲	-۱/۳۰۸	۲/۷۸۸	۸/۳۲	۲۰
	سبک مدرن	۴۰/۸۰	۷/۲۸	۰/۰۰۸	۰/۹۳۲	۱۵	۶۰
	سبک سنتی	۳۲/۸۶	۸/۷۹	۰/۸۲۲	۰/۶۴۳	۱۵	۶۰
	سبک ترکیبی	۳۱/۷۴	۶/۰۷	۰/۳۵۳	۰/۵۵۷	۱۲	۴۸

جدول ۳ - خلاصه نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها در کل شرکت‌کنندگان (N=۴۲۸)

متغیرها	پیشرفت تحصیلی
	r
سبک مدرن	۰/۰۷۷
سبک سنتی	-۰/۰۹۶
سبک ترکیبی	-۰/۰۶۷

نمره پسران در سبک تربیتی سنتی بالاتر از دختران است. از این رو، شواهد کافی برای پذیرش فرضیه سوم وجود دارد. فرضیه چهارم: میانگین نمره‌های دختران و پسران از لحاظ سبک تربیتی ترکیبی متفاوت است.

با توجه به مقدار t محاسبه شده ($-۳/۵۳۱$) و احتمال معناداری ($۰/۰۱$) با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان فرض صفر را رد کرد. به عبارت دیگر، می‌توان قضاوت کرد که بین میانگین نمره‌های سبک تربیتی ترکیبی والدین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، میانگین نمره پسران در سبک تربیتی ترکیبی بالاتر از دختران است. از این رو، شواهد کافی برای پذیرش فرضیه چهارم وجود دارد. با توجه به ضرایب به دست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که در بین گروه دختران بین سه سبک تربیتی مدرن، سنتی و ترکیبی با پیشرفت تحصیلی همبستگی معنادار وجود ندارد. هرچند، در بین گروه پسران از بین سه سبک تربیتی مدرن، سنتی و ترکیبی تنها بین سبک تربیتی سنتی و پیشرفت تحصیلی همبستگی منفی و معنادار مشاهده شد ($P < ۰/۰۱$)

(سبک ترکیبی) $= ۰/۰۴۹$ = (سبک سنتی) $۰/۰۲۴$ = (سبک مدرن) $Y = ۱۷/۹۶۹ + ۰/۵۱$ (پیشرفت تحصیلی)
فرضیه دوم: میانگین نمره‌های دختران و پسران از لحاظ سبک تربیتی مدرن متفاوت است.

با توجه به مقدار t محاسبه شده ($۴/۹۵۰$) و احتمال معناداری ($۰/۰۱$) با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان فرض صفر را رد کرد. به عبارت دیگر، می‌توان قضاوت کرد که بین میانگین نمره‌های سبک تربیتی مدرن والدین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، میانگین نمره پسران در سبک تربیتی مدرن بالاتر از دختران است. از این رو، شواهد کافی برای پذیرش فرضیه دوم وجود دارد. فرضیه سوم: میانگین نمره‌های دختران و پسران از لحاظ سبک تربیتی سنتی متفاوت است.

با توجه به مقدار t محاسبه شده ($۸/۰۸۱$) و احتمال معناداری ($۰/۰۱$) با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان فرض صفر را رد کرد. به عبارت دیگر، می‌توان قضاوت کرد که بین میانگین نمره‌های سبک تربیتی سنتی والدین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، میانگین

جدول ۴ - خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش بینی پیشرفت تحصیلی بر اساس سه سبک تربیتی مدرن، سنتی و ترکیبی

$$(N = 428)$$

Sig	t	متغیر وابسته: پیشرفت تحصیلی ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده	پیش بینی کننده‌ها
۰/۰۰۱	۳۲/۳۷۳**	-	۱۷/۶۹۶	عدد ثابت
۰/۰۰۱	۳/۳۶۱**	۰/۲۰۸	۰/۰۵۱	سبک مدرن
۰/۰۳۵	-۲/۱۱۰*	-۰/۱۰۹	-۰/۰۲۴	سبک سنتی
۰/۰۱۱	-۲/۵۴۷*	-۰/۱۵۸	-۰/۰۴۹	سبک ترکیبی

$$R = ۰/۱۹۳ ; R^2 = ۰/۰۳۷ ; R^2 = ۰/۰۳۰ ; F = ۵/۲۶۶**$$

** معنادار در سطح $۰/۰۱$; * معنادار در سطح $۰/۰۵$

جدول ۵ - خلاصه آزمون t گروه‌های مستقل به تفکیک گروه‌ها (فرضیه دوم)

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t
	دختران	۱۹۲	۳۷/۳۳	۷/۱۱		
سبک مدرن					۴۲۶	-۴/۹۵۰**
	پسران	۲۳۶	۴۰/۸۰	۷/۲۸		

**معنادار در سطح ۰/۰۱

جدول ۶ - خلاصه آزمون t گروه‌های مستقل به تفکیک گروه‌ها (فرضیه سوم)

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t
	دختران	۱۹۲	۲۷/۰۴	۶/۰۵		
سبک سنتی					۴۱۵/۱۶۵	-۸/۰۸۱**
	پسران	۲۳۶	۳۲/۸۶	۸/۷۹		

**معنادار در سطح ۰/۰۱

جدول ۷ - خلاصه آزمون t گروه‌های مستقل به تفکیک گروه‌ها (فرضیه چهارم)

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t
	دختران	۱۹۲	۲۹/۷۷	۵/۲۹		
سبک ترکیبی					۴۲۶	-۳/۵۳۱**
	پسران	۲۳۶	۳۱/۷۴	۶/۰۷		

**معنادار در سطح ۰/۰۱

جدول ۸ - خلاصه نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها در کل شرکت کنندگان

متغیرها	پیشرفت تحصیلی دختران (n = ۱۹۲)	پیشرفت تحصیلی پسران (n = ۲۳۶)
	r	r
سبک مدرن	-۰/۰۴۷	۰/۱۲۸
سبک سنتی	-۰/۰۶۲	-۰/۱۹۰**
سبک ترکیبی	-۰/۱۳۰	-۰/۰۵۷

**p < ۰/۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شده است که نقش سبک‌های تربیتی خانواده‌ها بر عملکرد تحصیلی فرزندان بررسی و مقایسه شود. با توجه به چارچوب نظری پژوهش، خانواده‌هایی که ابزار ولوازم کمک آموزشی را برای فرزندان خود تهیه می‌کنند و با آنان هم‌فکری و تعامل در فعالیت‌های درسی شان دارند و آنها را جهت بروز استعدادهای نهفته در قوه، رهبری و هدایت کرده، به شرکت در کلاس‌های تقویتی و فوق العاده برای آشنایی و یادگیری علوم و تکنولوژی جدید تشویق می‌کنند و از انبار کردن الفاظ و کلمات غیر کاربردی در ذهنشان برحذر می‌دارند، نسبت به فرزندان خانواده‌هایی که در محیط بسته و دور از مطالعات گروهی و همکاری با دیگر همکلاسان و مشارکت در کتابخانه، کلاس‌ها و مؤسسات آموزشی فوق برنامه مانع می‌شوند، بر اهمیت نقش فعال خانواده‌های آگاه به روند پیشبرد تحصیلی فرزندان و آشنایی با ابزار جدید کمک آموزشی و یادگیری دور از هر گونه تعصب، البته با حفظ ارزش‌های اخلاقی - اجتماعی که ریشه در سنت دارد و از طرفی نقش فعال فرزندان و تعاملات اجتماعی آنان را در آموزش تأکید می‌نماید، انتظار بر آن می‌رفت که خانواده‌هایی که با روش مدرن و با علم روز در آموزش و تعلیم و تربیت فرزندان خود به کار می‌برند، از نظر کارکردهای عینی - شناختی و رفتاری برتر و موفق‌تر از فرزندان خانواده‌هایی هستند که باروش سنتی و به ارث مانده از گذشتگان و پیشینیان در تعلیم و تربیت فرزندان خود نقش دارند. بازنگری یافته‌های پژوهش حاضر در این زمینه نیز این نتیجه را تأیید کرد. فرضیه‌های پژوهش حاضر بیان گر این است که ۱ - بین متغیرهای مورد مطالعه و عملکرد تحصیلی همبستگی وجود داشته و در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد معنادار است. ۲ - بین میانگین نمره‌های سبک تربیتی مدرن والدین دختران و پسران، تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، میانگین نمره پسران در سبک تربیتی مدرن بالاتر از نمره دختران است. ۳ - بین میانگین نمره‌های سبک تربیتی سنتی والدین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد، یعنی میانگین نمره پسران در سبک تربیتی سنتی، بالاتر از نمره دختران است. ۴ - بین میانگین نمره‌های سبک تربیتی

ترکیبی والدین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد، یعنی میانگین نمره پسران بالاتر از نمره دختران است. این نتیجه حاصل و تأیید شد که سبک تربیتی مدرن یعنی آگاهی خانواده‌ها از کاربرد علم و دانش روز و با تعامل و همکاری در عملکرد تحصیلی فرزندان همبستگی معناداری وجود دارد. البته عوامل بسیاری همچون وضع اقتصادی، شغل پدر یا مادر، داشتن برادر یا خواهر تحصیل کرده، داشتن معلم خصوصی، جو عاطفی خانواده، محیط آموزشی، مربیان و کادر با تجربه مدرسه، داشتن کارگاه و آزمایشگاه و کتابخانه در مدرسه و استفاده از وجود آنها، نقش برنامه‌ریزی جهت مطالعه در خارج از مدرسه، نداشتن والدین یا یکی از آنها، فوت یا متارکه والدین، اعتیاد یکی از آنها، سواد نداشتن والدین، اهمیت ندادن آنها به تحصیلات فرزندان، دیرفهمی و کند بودن ذهن فرزندان و... وجود دارند که در پیشرفت یا افت تحصیلی فراگیران دانش نقش آفرینی می‌کنند که همه آنها کنترل نموده شده است. اما مهمترین محیطی که در آن خمیر مایه کودک و فرزندان در دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد، محیط خانواده است. والدین نقش مدیریتی و رهبری را در خانواده ایفا می‌کنند که در رشد و بلوغ فکری و ظهور استعداد فرزندان اثرگذار است. نتایج پژوهش حاضر یافته‌های پژوهش عابدی (Abedi, 2005) را که در مورد نقش ویژگی‌های خانواده در پیشرفت تحصیلی فرزندان بوده است تأیید می‌کند. زیرا در آن پژوهش شیوه‌های فرزندپروری (انتظار والدین از موفقیت فرزندان، مقتدرانه، ساخت خانواده‌های مدرن طبیعی) ایجاد نگرش در پیشرفت تحصیلی را بیان نموده است. نتایج پژوهشی ازلی که در رابطه با اثر سبک‌های یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموان بوده است، پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. زیرا حاکی از آن است که سبک یادگیری شهودی و سبک یادگیری کلی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموان رابطه معنا دار دارد. همچنین نتایج پژوهش حاضر یافته‌های مطالعه پژوهشی رضوانی خواه (Rezvanikhahm, 2009) رضوانلو (Reshvanlo, 2008) را که حاکی از حمایت و گرمی والدین یعنی تعامل و همکاری داشتن خانواده‌ها با فرزندان و ایجاد انگیزش خودمختاری آنان را در پیشرفت تحصیلی اثربخش می‌دانند، تأیید

می‌کند. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهشی آزادارمکی (Azadarmaki, 2007) که در مورد بررسی تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطح نوجوانان و جوانان و سالخوردگان بوده است، همسویی دارد. زیرا چنین دست یافته است که در ایران سالخوردگان، کم سوادان و فقیران بیشتر از جوانان دانشگاهی و ثروتمندان پایبند به آموزه‌های تربیتی خانواده‌های سنتی هستند و در چالش بین سنت و مدرنیته در ایران ماندگاری عناصر سنتی در عرصه دین بیشتر از عرصه خانواده‌ها است. به عبارت دیگر، چنین تبیین می‌شود که جوانان امروز از طریق ارتباط با رسانه‌های آموزشی و الکترونیکی و هماهنگی با خانواده‌ها با روش مدرن در پیشرفت تحصیلی موفق تر از خانواده‌هایی هستند که به روش سنتی عمل می‌کنند. نتایج پژوهش شمعی زاده (Shamaei, 2008) گویای آن است که حاصل آموزش منظم به والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر مثبت دارد. یعنی آگاه بودن و اطلاع داشتن والدین نسبت به متدهای جدید علمی و روش‌های جدید تربیتی در پیشرفت تحصیلی فرزندان معنادار است که با پژوهش حاضر همسو است و از طرفی فضای تربیتی خانواده‌ها را از نظر معیار و ارزش‌هایی که والدین در خانه برقرار می‌کنند و برداشت آنها را از مدرسه مهمترین عامل پیشرفت تحصیلی می‌داند. به نظر پژوهشگر، تعلیم تربیت مدرن بود که جوامع سنتی را از هم پاشید و راهکارهای نوینی را به ارمغان آورد، نه این که اهداف در تعلیم و تربیت سنتی نادیده گرفته شد، بلکه هدف‌ها در تعلیم و تربیت با دستاوردهای جدید علمی و معاصر پیگیری شد. گری (Gray, 2001) معتقد است که فناوری اطلاعات نیست که به تنهایی ایجاد تغییر می‌کند بلکه انسان‌ها عامل اصلی تحول‌اند و نیروی انسانی مهمترین گسترش دهنده فناوری اطلاعات هستند. یافته‌های پژوهش‌های فتسکوومک، کلا (Fotesco & macceler, 2005) فرضیه پژوهش حاضر را تأیید می‌کنند. آنها در نتایج پژوهش خود دریافته‌اند که افزایش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در هم‌آموزی و تعاملی است. زیرادر نظام آموزشی سنتی، محتوای درس کمکی، فراگیران دانش را مجبور به پذیرفتن یک فضای انتخابی محدود می‌کند. در حالی که این عامل در نظام آموزشی مدرن، تحقیقاتی و

پژوهشی، کیفی نامحدود و متنوع است. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های جعفری کوخالو (kokhanlom, 2008)، رستمی نژاد (Rostaminezhad, 2009) و آصفی املشی (Asefiamlashi, 2004) همسو است. آنها نتایج پژوهش خود را حاکی از آن می‌دانند که دانش‌آموزانی که به صورت نوین در فراگیری تعلیم و تربیت از همدیگر پشتیبانی می‌کنند، نسبت به دانش‌آموزانی که به روش سنتی عمل می‌کنند در پیشرفت تحصیلی موفق ترند ولی از نظر عاطفی تفاوتی میان آنها دیده نشد. همچنین روش‌های تعامل و همکاری در هم‌آموزی (روش مدرن) با سایر روش‌های آموزشی (سنتی) در عملکرد تحصیلی را تأکید می‌کنند. لوکاس و مورفی (locas & morfi, 2007) در یافته‌های کار پژوهشی خود نشان دادند که انسجام و وحدت بین دانش‌آموزان، نسبت به تعارض و رقابت بین آنان بالاترین پیش‌بینی کننده سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی آنان است، که با یافته‌های جعفری کوخالو و رستمی نژاد همسویی دارد و تأییدکننده پژوهش حاضر است. تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که سبک‌های تربیتی یادگیری و یاددهی در تعلیم و تربیت می‌توانند وضعیت تحصیلی فرزندان را پیش‌بینی کنند. حال چه از طریق خانواده‌ها باشد، چه از طریق مربیان و دست‌اندرکاران آموزشی. به نظر پژوهشگر، آنچه مهم است شناسایی سبک‌ها و روش یاددهی و یادگیری فرزندان و دانش‌آموزان است که بدانیم برای دست یافتن به توسعه علوم فیزیکی و زیست محیطی و تکنولوژی، علوم فضایی و کشف مواد گیاهی - شیمیایی جهت معالجه امراض انسانی و حیوانی و دیگر موارد علمی و الکترونیکی هریک به چه نوع محتوای درسی و روشی نیاز دارد تا بتوانیم با کشف و تولید آنها نیازمندی‌های جامعه مان را برطرف ساخته، برای مردم دنیا نیز صادر نماییم. آرتورس، هاوک و شاه (Arthors, Howk & Shah, 2007) در زمینه ارتباط سبک‌های تربیتی و یادگیری و یاددهی و عملکرد دانش‌آموزان در درس‌ها اشاره نموده، تأکید کرده‌اند. پیکر و میراسی دیگلو (Peker & Mirasidioglo, 2008) ارسلون و آرتیکن (Arselon & artekin, 2009) در نتایج یافته‌های پژوهشی

quarterly journal of research family first year, No.2. (Persian).

Aminzadeh, Anousheh, (2008), M.A. Thesis, educational psychology, A comparison of the benefits of modern educational methods (co-learning) and traditional (lecture) in terms of cognitive achievement (academic achievement), emotional and behavioral in the students of Tehran. (Persian).

Gray, D. (2001), Internet in schools. Translation of Maryam Nakhoda smart schools technology institution. (Persian).

Mayr Fredrik. (1995), the translation of Fayyaz, samt publications, Tehran (Persian).

Rezvanikhah, Mahnaz, (2009), M.A. Educational and psychological studies magazine (Persian).

Reshvanloo, Farhad, (2008), M.A. thesis Tehran University, central library and documents center-part 6 (record 39199). (Persian).

Rostaminejad, Mohammadali, (2004), A comparison of basic learning in the way of individual learning with small groups of students of second grade of accounting vocational school of Varmin, M.A. thesis, educational technology, Allameh Tabatabaee University. (Persian).

Shmayeezadeh, Parvin, (2008), science, Islamic Azad University Khorasgan Branch, Esfahan, No. 17th and 18th, spring and summer, pages: 165-186 (Persian).

Ebadi, R., (2004), information technology in the education the publications of smart schools technology institution (Persian).

Arslan, C., Gocmencelebi, S.I. & TaPan, M, S. (2009) learning and reasoning styles of Pre service teachers : inductive or deductive reasoning on science and mathematics related to their learning style Social and Behavioral Sciences, 1, 2460-2456.

Arthurs, J, B (2007). A Juggling act in the classroom. Managing different learning styles. Teaching and Learning in Nursing, 2, 2-7.

خودن تایج مطالعات آرتورس، هاوک، شاه و پیترسون را که درباره سبک های یادگیری و یاددهی در تعلیم و تربیت ارتباط دارد، تأیید می کنند که با نتایج پژوهش حاضر همسو است. گری و رز (Gray & Ross) در نتایج پژوهشی خود علاوه بر رضایت شغلی، مستقیماً از رهبری و مدیریت تحولی که بر پیشرفت تحصیلی اثر معناداری را نشان می دهد، تأکید می نمایند. به طور کلی، رهبری اولیه فرزندان را در جامعه خانواده‌ها عهده‌دار هستند. زیرا مدیریت خانه و خانواده کمتر از مدیریت یک مؤسسه نیست، والدین جهت هدایت و رهبری فرزندان برای این که آینده خوبی داشته باشند و در جامعه ذلیل و خوار نباشند و دست نیاز به سوی دیگران دراز نکنند، در دریاها و اقیانوس ها همچون قطب نمای کشتی های غول پیکری هستند که در امواج متلاطم، مسیر حرکت را برایشان مشخص می کنند.

منابع

Azadarmaki, Taghi (2005), A survey on the relationship of academic achievement motivation of the students of high school in Esfahan with their own family characteristic quarterly journal of research family, First year, No.2 (Persian).

Asefiamlashi, Rahim (2004), the effect of using educational plan by cooperation students academic achievement of high school in Iran, Tehran, vice-chancellor of theoretic and skilled education. The education ministry. (Persian).

Azali, Mina (2012), M.A. students of educational management department, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, knowledge and research in education science, period 2, No. 33, page: 131-140 [Persian]

Afsharikohan, Javad (2004), Tradition orientation and modernization in IRAN, First edition, page 19 (Persian).

Abedi, Ahmad, (2005). PhD dissertation A survey on the relationship of academic achievement motivation of the students of high school in the Esfahan with their own family characteristics,

perceptions in 11th grade chemistry classes learning and instruction.

Earle, R. S. The integration of instructional Technology in to Public Education Technology, 2002.P.42 .

Fetsco, T& MC clure,J.(2005) Educational Psychology. New York; Allyn and Bcom Volfulk, A (2001) Educational Psychology Boston: Allyn Bacon .

John lock , An essay concerning human understanding education. Raymond Willburn (New York: e. P.Dutton.)1947.P.8 .

Gray. P.& Ross.J.A.(2006 b) Transformational Leadership and Teacher Commitment to Organizational Values: The mediating effects of collective teacher efficacy. School effectiveness and school improvement, 17(2), 179-199 .

Gray.P.& Ross, J.A.(2006 a) School leadership and student achievement the mediating effects of teacher beliefs Canadian journal of Education, 29(3), 798-822 .

Howk, T.F.& Shah, A.J.(2007) using Learning style Instruments to Enhance Student Learning Decision, Journal of Innovative Education 5(1):1-17 .

Lucos, A.& Murphy, J.(2007) Middle school student Perceptions of School climate examining protective function on subsequent adjustment problems . Journal of school psychology. Vol. 44.6 .

Peker, M., & Mirasyedioglu, S.(2008). Pre-service elementary schools teacher's learning style and attitudes Towards Mathematics Eurasia Journal of mathematics, science and technology education, (1), 21-26.

Peterson, E.R. Raner, S., & Armstrong. S.(2009) Researching The Psychology of Cognitive Style and Learning Style is there really of future? Earning and individual Differences 19, 518-523.

Shepard, L.A.(2000) The role of classroom assessment in teaching and learning center for study of evaluation, standards and student testing California university , Los Angles.

Sahchar, H & Fischer,s.(2004) cooperative learning and the achievement of motivation and